

مقایسه خانواده در اسلام و غرب

فرشته روحافزا^۱



چکیده

مقایسه مدل اسلامی خانواده با آنچه که در غرب، به عنوان خانواده شکل می‌گیرد، در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. این مقایسه از نوع کیفی و محتوایی و ساختاری و آماری است. نگاه اسلام به خانواده براساس حقوق متقابل زن و مرد و فرزند تعریف می‌شود و اسلام، از یک جنس خاص، حمایت نمی‌کند؛ بلکه همه افراد نسبت به یکدیگر حق و تکلیف دارند. در حالی که در غرب، اساس بر اصالت فرد می‌باشد و منافع شخص در اولویت است و این نگاه غرب به خانواده موجب مسائل و مشکلات زیادی در جوامع آنان گردیده است که بخشی از آنها در این مقاله بررسی گردیده است. در اسلام در عین رعایت احترام ذاتی انسان به رابطه او با خدا، به عنوان محور اصلی تمام امور، نگریده شده است و مبنای همه دستورات است. شئون خانواده با این دو دیدگاه بررسی و در قسمت نتیجه‌گیری به این جمع‌بندی رسیده‌ایم که دستورات اجتماعی اسلام می‌تواند راهگشا برای تمام انسان‌ها از تمام ملیت‌ها و فرهنگ‌ها باشد.

واژه‌های کلیدی: خانواده اسلامی، مدل، مقایسه ساختاری، خانواده غربی، حق و تکلیف، اصالت فرد، جنسیت

1. f_rouhafza@yahoo.co.uk

در ارائه مدل ایرانی اسلامی خانواده، وجود دو ویژگی در آن مورد نظر است. اولاً این مدل برای تمام خانواده‌های ایرانی، در سطوح مختلف بالا و پایین معنوی و مادی، مناسب باشد؛ دوماً این مدل خانواده قابل ارائه به دیگر جوامع باشد. در همین راستا، حقوق متقابل خانواده و عناصر مؤثر بر آن در جوامع غربی و مدل اسلامی آن را مقایسه خواهیم نمود. در اینجا، برآنیم تا با بررسی نقاط ضعف و قوت این دو مدل، به راه‌حلی منطقی و علمی راه پیدا کنیم. این مقایسه، از نوع کیفی و ساختاری است.

۱. دیدگاه قرآن در رابطه با خانواده

از دیدگاه قرآن، شروع خانواده با عوامل مودت و رحمت و سکونت شکل می‌گیرد و زوجیت براساس فطرت خلقت است؛ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (سوره روم، آیه ۲۱) و انتهای برای خانواده اسلامی، متصور نیست و زنان باایمان، با همسران باایمان خود، وارد بهشت می‌شوند؛ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ: وارد بهشت شوید شما و همسرانتان در نهایت شادباش (سوره زخرف، آیه ۷۰) [۱].

از این آیات، استفاده می‌شود که زنان و مردانی که در این دنیا همسر یکدیگرند، هرگاه هر دو باایمان و بهشتی باشند، در آنجا به هم ملحق می‌شوند و با هم در بهترین شرایط و حالات، زندگی می‌کنند و حتی از روایات استفاده می‌شود که مقام این زنان، برتر از حوریان بهشت است. در این نگاه به‌روشنی نقش خانواده در رشد و تعالی زن و مرد و فرزند دیده می‌شود. خانواده هدفش انسان‌سازی می‌شود. تربیت، اساس و محوریت پیدا می‌کند.

۲. خانواده از دیدگاه غرب

تعریف خانواده براساس دیکشنری وبستر [۲] چنین آمده است که خانواده، عبارت است از گروهی جمع‌شده در کنار هم و زیر یک سقف و تحت یک مدیریت. صرف زندگی در یک خانه و با انگیزه رابطه جنسی، اوج تعریف یک خانواده است. لازم به ذکر است که این نفرات، ممکن است دو نفر هم‌جنس باشند و یا تعریف‌های دیگری از خانواده که مجال پرداختن آن در این مقاله نیست.

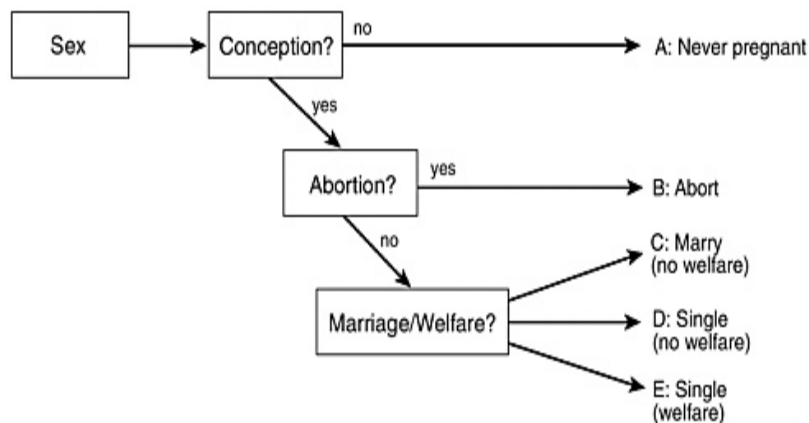


۱۲۳۷ ► مقایسه خانواده در اسلام و غرب

تعریف غرب از خانواده براساس نگاه اومانیسیم، فمینیسم و سکولاریسمی بنا شده است. در این نگاه فردگرایانه، معتقدند که هیچ‌گونه تفاوت نژادی، جنسی و طبقاتی ذاتی بین مرد و زن وجود ندارد [۳]. این بینش، تفاوت بین زن و مرد را زائیده محیط اجتماعی می‌داند. فردگرایی افراطی، مبنای خانواده سکولار است و اساس، بر اصالت میل فرد است و به تبع، می‌توان دریافت که منافع افراد به شکل فردی مطرح است.

شکل زیر، نمودار درختی انگیزه اولیه ازدواج و ایستگاه‌های توافق زوج برای نحوه ادامه زندگی مشترک را نشان می‌دهد که انگیزه اولیه قبل از ازدواج، روابط جنسی است و گاهی بچه‌دار شدن، افراد را وادار می‌کند که ازدواج کنند و در نهایت منجر به پنج حالت مختلف می‌گردد که یک حالت آن، مورد قبول می‌باشد که آن هم ازدواج قانونی است. حالت اولیه، بچه‌دارنشده است و حالت بعدی در صورت بچه‌دارشدن سقط فرزند و یا ازدواج که به عدم رفاه، تعبیر شده است و حالت‌های بعدی، زندگی مجردی با فرزند و یا بدون فرزند است.

به‌روشنی می‌توان دریافت که هدف از تشکیل این نوع زندگی‌ها پاسخ به غرایز حیوانی می‌باشد و این نوع شکل‌گیری روابط، آسیب‌هایی را برای خانواده در پی خواهد داشت.



شکل ۱: نمودار درختی انگیزه‌های اولیه ازدواج [26]

۳. آسیب‌شناسی نظام خانواده در غرب

۳-۱- به‌قتل رسیدن فرزندان به دست مادران

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در حال حاضر تیت‌های خبری، کشورهای امریکا و



انگلستان را به خود اختصاص داده است، موضوع کشته شدن بچه‌ها به دست مادرانشان می‌باشد.

۳-۱-۱. مادرانی که از بیماری روانی، رنج می‌برند دست به این کار می‌زنند.

۳-۱-۲. مادرانی که از بیماری روحی به علت مشکلات، دچار این آسیب می‌شوند. علل به شرح زیر می‌باشد:

- مادران دائم‌الخمیر یا معتاد به مواد مخدر (به علت عادات و فرهنگ غلط اجتماعی).

- مادرانی که به علت نداشتن پناهگاه عاطفی (نداشتن همسر) دچار این بیماری شده‌اند (به علت مشکل بودن ازدواج).

۳-۱-۳. مادرانی که به علت پرورش پیدا نکردن در خانواده، در دوران کودکی خود دچار سرخوردگی شده‌اند که اینها به چند گروه تقسیم می‌شوند
الف) والدینشان از هم جدا شده‌اند.

ب) اصلاً پدرانشان را ندیده‌اند، به دلیل اینکه مادرشان در دوران بارداری با افراد متعدد مراد داشته‌اند و خودشان هم نمی‌دانند که پدر واقعی بچه‌اش کیست.

۳-۱-۴. مادرانی که در دوران کودکی به آنان تجاوز جنسی شده است، توسط افراد خانواده خود (معمولاً ناپدری و یا دوست‌پسر مادری که در خانه با آنها زندگی می‌کند) و یا کس دیگر که منجر به بیماری روحی این زن در دوران کودکی شده است.

۳-۱-۵. مادرانی که بچه آنان، از پدری نامعلوم است، برای مثال، ارتباط با فردی که حتی اسم او را نمی‌داند و حتی شکل او را هم به خاطر نمی‌آورد (به‌طور تصادفی در خیابان و یا مشروب‌فروشی با هم آشنا شده‌اند) و به دلیل داشتن ارتباط در دوران بارداری با افراد متعدد فرزندی به دنیا آورده است و حالا باید به تنهایی تا آخر عمر از او نگهداری کند و چون او را مزاحم می‌بیند به این عمل (قتل فرزند) دست می‌زند.

۳-۱-۶. مادرانی که وجود فرزند را برای زندگی آینده مزاحم می‌پندارند، بچه را مانعی برای خوش‌گذرانی خود می‌بینند.

۳-۱-۷. مواردی که شریک زندگی آینده و یا حال وی، حاضر به پذیرش بچه او نیست.

۳-۱-۸. گذاشتن بار سنگین حضانت بر دوش مادران علاوه بر وظایف مادری (دوران بارداری، شیردهی، دوران خردسالی، نوجوانی و بلوغ) و ترس از مسئولیت‌های زیاد بچه‌داری، موجب این امر می‌شود.



آماري از كشته شدن فرزندان در خانواده

بچه‌هایی که در سال‌های ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۵ فرزندان‌ي که زیر سن پنج سال کشته شده‌اند^۱، ۳۱ درصد، توسط پدران (عمدتاً به دلیل تجاوز)، ۲۹ درصد، مادران، ۲۳ درصد، به وسیله مردان آشنا، ۷ درصد، بقیه فامیل، ۳ درصد، بیگانگان^[21, 22].

۳-۲- نظر اسلام در رابطه با علت کشته شدن فرزندان به زنا نزدیک نشوید و فرزندان‌تان را از ترس ناداری نکشید (آیه ۳۲). و از بیم تنگ‌دستی، فرزندان خود را مکشید، ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری کشتن آنان همواره، خطایی بزرگ است (آیه ۳۱). [4].

۴. عدم آرامش و ثبات روحی مادران و تأثیر آن بر فرزندان به دلیل نبودن

پدر

مادرانی که دچار بی‌ثباتی و آشفتگی روحی هستند و این بی‌ثباتی و عدم آرامش را به فرزندان انتقال می‌دهند و معمولاً، این نوع مادران، هر روز، در دادگاه یا مراکز مشاوره‌ای اجتماعی، مورد سؤال قرار می‌گیرند. این نوع مراکز مشاوره اجتماعی در مراکز بهداشتی و قانونی و یا مدارس، به نظارت بر روابط مادران و فرزندان می‌پردازند در مواقع لزوم، با دخالت پلیس و قانون مواجه می‌شوند. ولی با تمام این تدابیر فرزندان، در این خانواده‌ها دچار آسیب‌های زیر می‌شوند:

۴-۱. بی‌بند و باری در روابط زن و مرد، مشکلی به وجود آورده است که در بعضی موارد، حتی خود مادر نمی‌داند که پدر واقعی بچه‌اش چه کسی است و به همین دلیل، خیلی از موارد با تست DNA باید مشخص کنند که چه کسی پدر است. به علاوه، تنش و اصطحکاک که بین مادر و پدر و یا پدرهای احتمالی پیش می‌آید، بر روحیه مادر و فرزندان، اثرات بسیار مخربی می‌گذارد و این سؤال که پدر واقعی من کیست؟ سؤال بسیاری از افراد آن جوامع می‌باشد. در پایان دهه ۱۹۹۰، میلیون‌ها کودک

1. Of all children under age 5 murdered from 1976-2005 – , 31% were killed by fathers , 29% were killed by mothers , 23% were killed by male acquaintances , 7% were killed by other relatives , 3% were killed by strangers



امریکایی با غیبت پدر و با نیاز شدید به پدر که وضعیتی دردآور در زندگی کودکی آنان است، به سر می‌برند [5]. پدران، اغلب آکنده از دودلی هستند [6] (یعنی نمی‌دانند فرزند موجود، به خودش تعلق دارد یا دیگری). و مسئله مهم دیگری که گریبان‌گیر جامعه آنهاست مسئله داشتن خواهر و برادرها و خاله و عمه و دایی و عمو و دیگر محارم ناشناخته در جامعه است.

۲-۴. بسیاری از این مادران، به علت اینکه با فرد دیگری غیر از پدر بچه زندگی می‌کنند دچار اختلافات شدیدی با هم‌خانواده جدیدشان می‌شوند و تحت فشار روحی از طرف فرد تازه وارد برای نگهداری فرزندانشان می‌باشند.

۳-۴. با توجه به اینکه اگر این زنان بیکار باشند از طرف دولتهایشان حمایت می‌شوند، به ظاهر فشارهای مالی، کمتر است اما خلاءهای روحی و روانی به جای خود باقی است و گاهی، این مادران از چندین فرد، دارای فرزند می‌باشند و تمام مسئولیت مالی و تربیتی این فرزندان بر عهده مادران می‌باشد و از طرف دیگر، به علت کمک دولت به این زنان، مردانی برای استفاده مالی، مبادرت به زندگی با این زنان می‌کنند و این نوع زندگی کاملاً مقطعی است. تا زمانی که این فرزندان کوچک هستند و این کمک‌ها ادامه دارد و بعد، این زن رها می‌شود و ضربه روحی دیگری را باید تحمل کند.

۴-۴. با توجه به اینکه، در سیستم غرب، نفقه وجود ندارد مادرانی که توانایی کار کردن دارند، باید حتماً در کنار نگهداری فرزندانشان مشغول به کار هم باشند و فشار کار با مسئولیت نگهداری بچه‌ها فشار روحی را دو چندان می‌کند.

۵-۴. در نظام مالیاتی غرب، هیچ فرقی بین این مادر که حضانت فرزندانش را بر عهده دارد، با مردانی که کار دارند و حضانت هم بر عهده ندارند وجود ندارد. پرداخت مالیات، فشار مضاعفی بر دوش این مادران است.

۶-۴. علاوه بر موارد فوق، در بیشتر مشاغل، حقوق زنان به دلیل زن بودن، حتی در شرایط استخدامی مساوی، کمتر از مردان است.

۷-۴. هزینه‌های واقعی حضانت از فرزندان به‌طور کامل و کافی توسط دولت بازپرداخت نمی‌شود.

۸-۴. از طرف دیگر، برای تفریحات و ساعات استراحت مادر، از فرد کاملاً مطمئن نمی‌توان بهره برد (به‌عنوان مثال، پدر، پدربزرگ و مادربزرگ ...). معمولاً، برای این کار



۱۲۴۱ ► مقایسه خانواده در اسلام و غرب

از پرستار استفاده می‌شود که خود خطرات و ریسک‌های ویژه‌ای دارد؛ از جمله تجاوز، کتک و ضرب‌وشتم و گاهی منجر به مرگ.

۴-۹. در بعضی از این موارد، بچه‌های این مادران، به دلیل کتک‌خوردن شدید به دست مادران، جان‌می‌سپارند.

۴-۱۰. برخی از این بچه‌ها، به علت تجاوز جنسی از طرف ناپدری و گاهی به علت ضرب‌وشتم از طرف ناپدری و مادر کشته می‌شوند.

۴-۱۱. به علت عدم آرامش و ثبات روحی، در پاره‌ای از این موارد، مادران پس از قتل، اقدام به خودکشی می‌کنند.

۵. نظر اسلام در رابطه با آرامش در خانواده

از آیات او خلق کردن همسران از نفس‌تان است و بین شما مودت و رحمت قرار داد [7].

۶. برتری‌های اسلام در نگاه به خانواده

۶-۱. در اسلام، حضانت پدر از اهمیت بالایی برخوردار است و عدم نظارت پدر و حفظ نکردن جایگاه پدر، موجب این می‌شود که تمام بارها بر دوش زنان به نهایی باشد و از طرفی دیگر، پدر نیز نسبت به فرزند مسئول است و دارای حق تربیت و پدری است و اگر مسئله حضانت، خدشه بپذیرد نتایجش و دست‌آوردهایش، مسائل بالا خواهد بود.

۶-۲. در اسلام، با مسئله زنا و روابط نامشروع برخورد بسیار قاطعی می‌شود و حد سختی جاری می‌شود. به نظر می‌رسد که یکی از سخت‌ترین نوع مجازات‌ها برای زنان محصنه است (سنگسار) در اینجا به روشنی می‌توان دریافت که حفظ حرمت خانواده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است به عنوان یک برتری بزرگ، در نگاه اسلام می‌توان از آن دفاع کرد، اثرات سوء روابط نامشروع و معلوم‌نبودن پدران و سردرگمی فرزندان و پدران و محارم گمشده در جامعه و نبودن جایگاه پدری، آثار بسیار مخربی بر روحیه افراد (فرزندان، پدران، مادران) گذاشته است. در این مقاله، مجال پرداختن به این آثار سوء، مانند میزان خودکشی‌های جوانان (گاهاً دسته‌جمعی و یا اینترنتی) به همین دلیل، و یا کشتارهای دسته‌جمعی در مدارس و... و یا دیگر بزهکاری‌های



نوجوانان و میزان بالای تجاوز به این کودکان و یا کشته شدن آنها به علت ضرب و شتم به دست مادران و یا ناپدیری و... نیست.

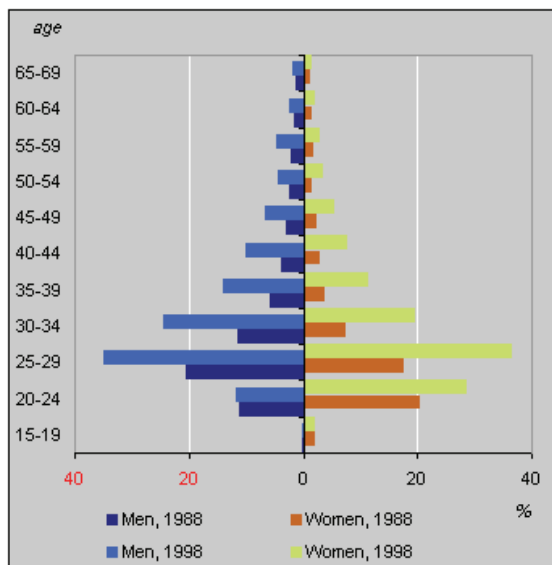
۳-۶. نفقه: یکی از برتری‌های اسلام در رابطه با بحث خانواده است به دلیل اینکه: الف) مرد و یا پدر خانواده، مسئول تأمین مایحتاج زن و فرزند است. این مسئله موجب می‌شود که از زن، در اجتماع استفاده جنسیتی و ابزاری نشود و ثانیاً، این احتیاج زن و مرد به یکدیگر، موجب قوام خانواده می‌شود؛ ب) این نوع تأمین زندگی، به صورت صحیح و اسلامی آن، موجب از یاد محبت در خانه می‌شود؛ ج) فرزندان به دلیل نیاز به والدین، تحت تربیت خانواده قرار می‌گیرند؛ د) تفقه در حد عرف خانواده است. زنان، در زیر چتر حمایتی همسرانشان هستند و مردان نسبت به خانواده احساس مسئولیت می‌کنند.

در مقایسه الف- در سیستم‌های غربی، زنان مورد سوءاستفاده‌های جنسی در محیط کار یا بیرون قرار می‌گیرند؛ ب- زنان، باید کمبودهایشان را دولت‌ها تأمین کنند که معمولاً در حد پایین جامعه است و فرقی نمی‌کند که زن، در چه رتبه و شأنی باشد؛ ج- فرزندان، خود را در مقابل خانواده متعهد نمی‌بینند. مردانی به طمع این کمک‌های دولتی از زنان و فرزندانشان سوءاستفاده می‌کنند.

۷. تشکیل خانواده‌های غیررسمی

در اینجا، به بررسی اثرات فساد اخلاقی حاکم بر روابط زن و مرد منجر به تشکیل خانواده‌های غیرشرعی و غیرقانونی گشته که این پدیده آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جامعه می‌زند: الف) یکی از علل شکل‌گیری این نوع خانواده‌ها عدم تمایل به پایبندی زن و مرد، در چارچوب خانواده است و برای اینکه تنوع بیشتری در روابط نامشروع داشته باشند تن به ازدواج نمی‌دهند؛ ب) دلیل دیگری که باعث این موضوع می‌شود وجود قوانین حمایتی از زنان در جامعه می‌باشد. یکی از این قوانین ۵۰٪ مایملک مرد به زن در هنگام طلاق می‌باشد. به همین دلیل مردان، تن به ازدواج نمی‌دهند؛ ج) عدم اعتماد بین زن و مرد؛ د) داشتن فرزند، از روابط نامشروع و غیر قانونی قبلی؛ ه) حمایت مالی دولت از پدر یا مادرهای مجرد.





شکل ۲: تعداد ازدواج‌های غیررسمی

آمار زندگی مشترک بدون ازدواج، برای دو مقطع زمانی ۱۹۸۸ و ۱۹۹۸ برای زنان و مردان و به تفکیک مقاطع سنی مختلف.

این آمار نشان می‌دهد که زندگی مشترک بدون ازدواج، در دختران ۲۰ تا ۲۴ سال افزایش کمتری نسبت به دختران بالای ۲۵ سال دارد و اگر در مردان ۲۰ تا ۲۴ سال افزایش ندارد به دلیل این است که نرخ رشد ازدواج در این سن پایین است. نه فقط بیشتر مردم زندگی مشترکشان را بدون ازدواج شروع می‌کنند، بلکه برای مدت‌های طولانی‌تری به همین سبک زندگی می‌کنند و افرادی که در سن‌های بالاتر ازدواج می‌کنند افزایش پیدا کرده است و یا حتی اصلاً ازدواج نمی‌کنند و به همین دلیل، آنها هرگز زندگی خانوادگی را درک نخواهند کرد. در هلند از هر پنج بچه‌ای که به دنیا می‌آیند یک نفر از آنها در خانواده‌های غیررسمی به دنیا می‌آید.

این نوع زندگی در امریکا در بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ به میزان ده برابر افزایش یافته است [8].

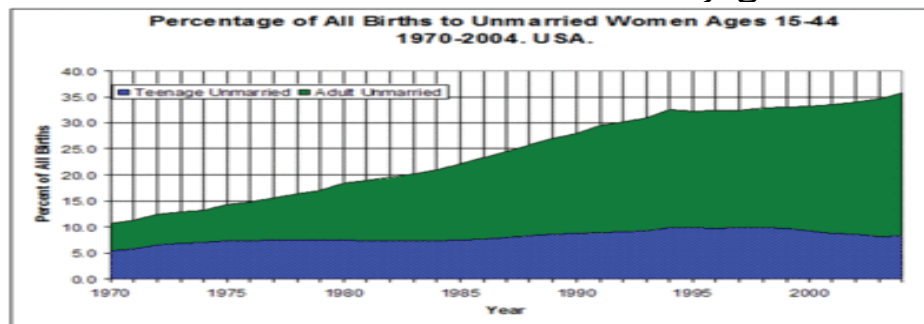
این نوع زندگی در امریکا در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ به میزان ۸۸ درصد افزایش یافته است [9].

اکثریت زوجها به‌طور غیررسمی زندگی خود را آغاز می‌کنند [10].



در زنان سنین بین ۱۵-۴۴ ساله به‌نحوی زندگی غیررسمی دارند که حدود ۴۱ درصد زنان امریکایی را تشکیل می‌دهند [11].

متوسط مردم امریکا عمده‌ی عمر خود را در زندگی ازدواج نکرده به‌سر می‌برند [12]. در شکل (۳) میزان افزایش تولد در زنان ازدواج نکرده در فاصله‌ی زمانی ۱۹۷۰ الی ۲۰۰۴ ملاحظه می‌شود [26].



(Source: US Census Bureau. Statistical Abstracts of the United States. Mini-Historical Statistics. "No. HS-14. Births to Teenagers and Unmarried Women: 1940-2002." Online. www.census.gov/statab/hist/HS-14.pdf; Center for Disease Control and Prevention. National Center for Health Statistics. National Vital Statistics Report, vol. 54, no. 2, Sep. 8, 2005, Table 18, "Birth Rates by Age of Woman for Unmarried Mother: United States, 1970, 1975, and 1980-2003, and by Age, Race, and Hispanic Origin of Mother: United States, 1980-2003." www.cdc.gov/nchs/data/nvsr/nvsr54/nvsr54_02.pdf; Center for Disease Control and Prevention. National Center for Health Statistics. National Vital Statistics Report, vol. 55, no. 1, Sep. 29, 2006, Table 18, "Number, Birth Rate, and Percentage of Births to Unmarried Women by Age, Race and hispani Origin of the Mother." http://www.cdc.gov/nchs/data/nvsr/nvsr55/nvsr55_01.pdf. Online.)

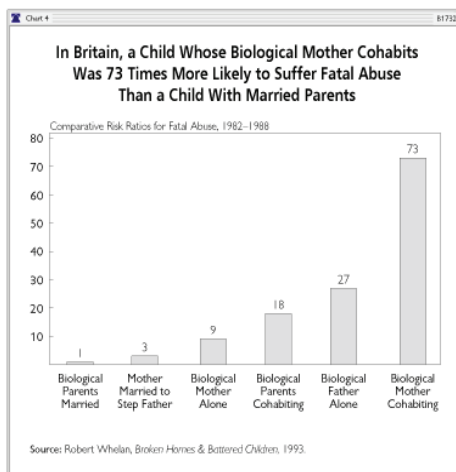
شکل ۳: افزایش تولد در زنان ازدواج نکرده

آثار سوء این نوع خانواده‌ها در شکل زیر بررسی می‌شود بر اساس شکل (۴) مادری که به‌تنهایی با فرزندش زندگی می‌کند سه‌برابر بیشتر ازحالتی که ناپدری در خانه است مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد (مقایسه‌ی ستون‌های ۲ و ۳).

براساس ستون (۵) پدرانی که به‌تنهایی از کودکان نگهداری می‌کنند سه‌برابر کمتر از مادری است که به‌تنهایی با کودکش زندگی می‌کند. این مسئله، نشان‌دهنده‌ی آن است که نگهداری فرزندان توسط پدر به‌تنهایی ناموفق است و نقش تربیتی مردان ضعیف‌تر است.

براساس ستون (۶) زمانی که خانواده رسمیت ندارد و مادر به‌صورت غیررسمی با فردی زندگی می‌کند آمار عدد ۷۳ که بسیار بالاتر است را نشان می‌دهد. در اینجا، به‌روشنی می‌توان دید که خانواده‌های غیررسمی و کودکانی که در این خانواده‌ها متولد می‌شوند بسیار آسیب‌پذیرتر هستند. این نمودار نشان‌دهنده‌ی این است که کودکانی که دارای خانواده‌های غیرقانونی هستند و به‌طور غیررسمی زندگی می‌کنند ۷۳ برابر بیشتر مورد سوءاستفاده و بدرفتاری واقع می‌شوند.





شکل ۴: زندگی فرزند با مادران واقعی خود

۸. نظر اسلام در مورد فرزندان نامشروع

در اسلام با مسئله فرزندان نامشروع برخورد بسیار جدی شده است و این نوع کودکان در آینده فاقد صلاحیت برای احراز برخی مناصب و شغل‌ها خواهند بود. این نمودار، روشنگر آسیب این‌گونه کودکان نسبت به کودکان مشروع را نشان می‌دهد. نکته جالب این است که مطابق قانون، مشروع بودن خانواده پدریِ کاندید برای برخی مشاغل از جمله ریاست جمهوری اجباری است.

۹. نداشتن دو سرپرست (والدین) در خانه

۳۹٫۷٪ از کودکان متولد شده از مادران ازدواج نکرده هستند [13].
 ۴۱٪ از اولین بچه‌های متولدشده در خانواده‌های غیررسمی هستند [14].
 در سال ۲۰۰۶، حدود ۱۳ میلیون زوج ازدواج نکرده با فرزندان‌شان زندگی کردند [15].
 در سال ۲۰۰۶، این تعداد نسبت به سال ۱۹۷۰ دو برابر شدند [16].
 نزدیک یک سوم پدربزرگان در آمریکا سرپرستی نوه‌هایشان را برعهده دارند (به‌علت نداشتن خانواده رسمی) [17].

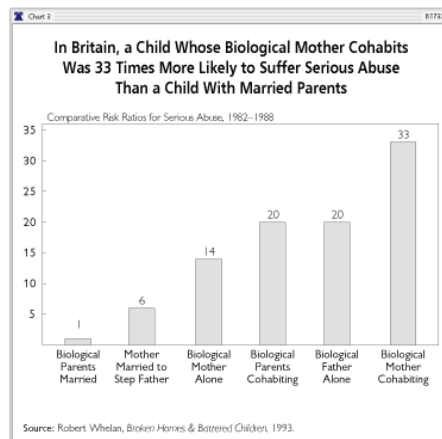
۱۰. زندگی مجردی

در سال ۲۰۰۰، اکثر افراد زندگی مجردی دارند [18].
 ۳۱ میلیون نفر تنها زندگی می‌کنند [19].



۱۲۴۶ ◀ کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده

بین سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۰۷، زندگی‌های غیررسمی به ۸۸٪ افزایش یافته است [20]. این نمودار نسبت‌های فوق را برای موارد بزهکاری جدی نشان می‌دهد [21].

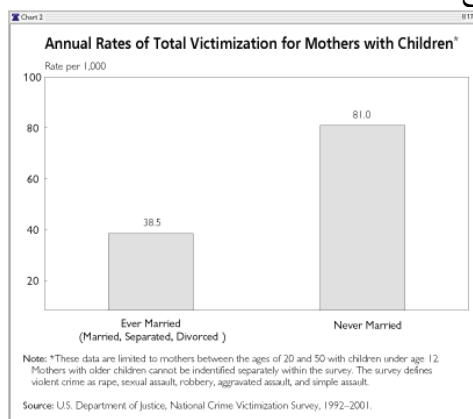


شکل ۵: خطرپذیری بیشتر برای کودکان زندگی‌های غیررسمی

شکل (۵) نیز بیانگر نتایج مذکور فوق، برای خانواده‌هایی که شکل غیرقانونی دارند ۳۳ برابر بیشتر از خانواده‌هایی است که به شکل قانونی زندگی می‌کنند.

۱۱. اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در رابطه زنان

شکل (۶) مربوط به مادران ۲۰ الی ۵۰ ساله‌ای است که کودکان زیر ۱۲ سال دارند و مورد تجاوز یا جرم واقع شده‌اند [22].



شکل ۶: نرخ سالانه صدمه دیدن کودکان زیر ۱۲ سال

شکل (۶) نشان می‌دهد زنانی که اصلاً ازدواج نکرده‌اند با آنان که حداقل یک‌بار ازدواج



کرده‌اند بیش از دوبرابر مورد جرم واقع می‌شوند و مشخص است که حتی، یک‌بار ازدواج ناموفق بهتر از مجردبودن است. نکته قابل توجه این است که آنانی که حتی از همسرانشان جدا شده‌اند میزان آسیب‌پذیریشان کمتر است نسبت به آنانی که اصلاً ازدواج نکرده‌اند.

۱۲. عدم وجود انگیزه‌های معنوی برای تشکیل خانواده

۱-۱۲. یکی از مهم‌ترین علل نداشتن تمایل به ازدواج رسمی عدم اعتماد طرفین به یکدیگر برای ادامه زندگی می‌باشد، بنابراین سعی می‌شود برای مدتی قبل از ازدواج رسمی زندگی مشترک داشته باشند تا شناخت بیشتری کسب کنند که گاهی تا ۱۰ سال و بیشتر، با داشتن چند بچه، این زندگی ادامه پیدا می‌کند. و به همین دلیل در خیلی از مراسم ازدواج بچه‌ها به‌عنوان شاقدوش حضور دارند.

۲-۱۲. دلیل بعدی را می‌توان در قوانینی که به جهت حمایت از زنان تدوین شده است پیدا کرد. به‌عنوان مثال، در وقت طلاق نیمی از دارایی مرد باید به زن بخشیده شود. به همین دلیل، مردانی که از تمتع مالی بیشتری برخوردارند تمایل زیادی به ازدواج رسمی ندارند و یا اینکه چون به زنان بدون همسر با داشتن بچه کمک‌های نقدی و یارانه تعلق می‌گیرد، زنانی که از این امتیاز برخوردارند تمایل به ازدواج رسمی ندارند. درحقیقت، این قوانین به نفع خانواده نمی‌باشد. شاید درظاهر به‌نظر برسد که به‌نفع زنان است اما، بعضی از این قوانین، در جهت عدم شکل‌گیری خانواده عمل می‌کنند.

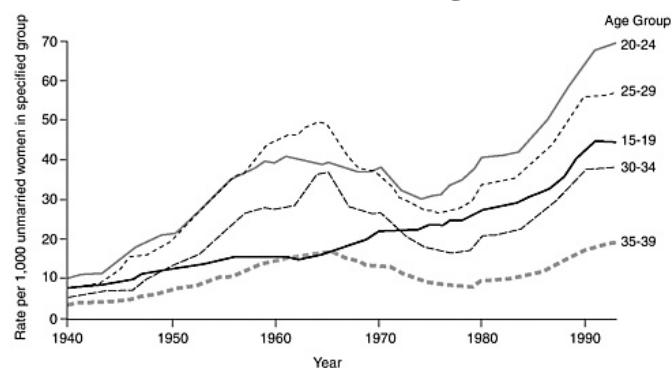
۳-۱۲. در ازدواج غیررسمی هیچ‌کدام از قیودات ازدواج، وجود ندارد و فرد چه مرد و چه زن احساس می‌کند می‌تواند بدون تعهدی زندگی کند. از مضرات این روش زندگی، نبودن خانواده‌ای باثبات و به‌تبع آن، نداشتن آرامش چه برای زنان و چه مردان و چه بچه‌ها در این خانواده‌ها می‌باشد. گاهی چندین بچه، از پدران مختلف و یا مادران مختلف، در این خانواده‌ها با هم زندگی می‌کنند که در آخر هفته و یا تعطیلات هر کدام به دیدن والدین واقعی خود به خانه دیگری می‌روند. پر واضح است که چقدر عدم ثبات روحی و خطرات مسائل تربیتی ناشی از آن، این خانواده‌ها را تهدید می‌کند.

۴-۱۲. از آثار بسیار نامطلوب این خانواده‌ها این است که به‌علت غیررسمی بودن، بعد از زندگی موقت و جدا شدن از یکدیگر بعضاً تا مدت‌های مدیدی فرزندان و پدران



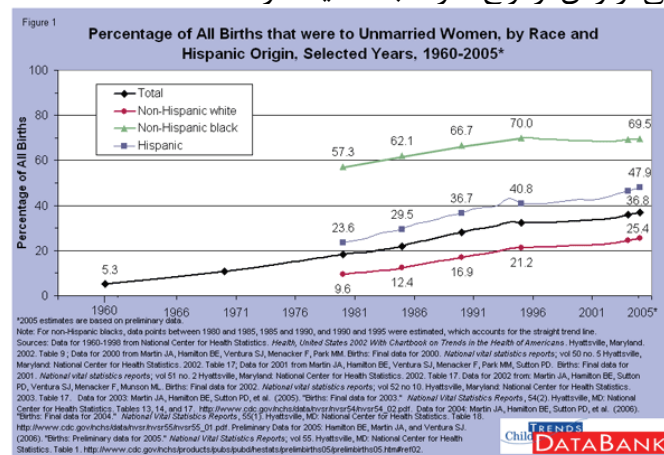
همدیگر را پیدا نمی‌کنند و یا از وجود هم بی‌خبرند و یا گاهی به علت بی‌بندوباری در روابط، پدران به غلط به بچه‌ها معرفی می‌شوند و بعد از سال‌ها تازه متوجه می‌شوند که پدرشان فرد دیگری است. در اینجا، مجال این نیست که اثرات و آسیب‌های روحی و اجتماعی این‌گونه روابط را بر فرزندان و والدین بررسی کنیم، زیرا خود، مقوله بسیار مفصلی خواهد شد.

۱۳. تمایل کم به ازدواج رسمی و گسترش روزافزون روابط غیررسمی



شکل ۷: درصد زنان ازدواج نکرده بر حسب سن و سال

شکل (۷) نرخ رشد تعداد زنان ازدواج نکرده را در قالب گروه‌های سنی مختلف در بازه زمانی بعد از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۹۵ نشان می‌دهد [23]. درصد تولدهایی از زنان ازدواج نکرده به تفکیک نژاد [24].



شکل ۸: درصد تولد از زنان ازدواج نکرده



۶۱ درصد از تجاوز به حقوق کودکان، توسط مادران صورت می‌گیرد [25].
۲۵ درصد از تجاوز به حقوق کودکان، توسط پدران صورت می‌گیرد [25].

۱۴. انحرافات جنسی

شکل‌های مختلف ارتباطات زنان و مردان، با ابزار و آلات و رفتارهای انحرافی در این زمینه، که خود از بحث بسیار مفصلی برخوردار است و در اینجا مجال به پرداختن آن نیست. فقط به این مسئله اشاره می‌کنیم که اثرات بسیار سوئی در ارتباطات گذاشته است.

۱۵. هم‌جنس‌گرایی (زن و مرد)

۱۵-۱. یکی از بزرگ‌ترین معضلات جوامع با الگوی غربی این نوع، ارتباط بین زنان و مردان می‌باشد که مهم‌ترین پیامد آن بیماری‌های مقاربتی بسیار متنوع و زیاد در این افراد می‌باشد.

۱۵-۲. معمولاً این افراد که به این شکل زندگی می‌کنند باز هم در این خانواده، یک‌نفر، نقش زن و یک‌نفر، نقش مرد را ایفا می‌کند، به عبارت دیگر، با اینکه دو نفر زن یا مرد، تشکیل یک خانواده داده‌اند، باز هم این دو مرد یک‌نفرشان نقش زن می‌گیرد و آرایش و لباس زنانه و رفتار زنانه را به‌طور کامل تقلید می‌کند و گاهی تا صحبت نکند کسی متوجه جنسیت او نمی‌شود. این مسئله، نشانگر این است که نیاز روحی، به جنس مخالف، هنوز وجود دارد و این یک انحراف، بیش نیست.

۱۵-۳. معمولاً بچه‌هایی که در این خانواده‌ها به‌عنوان فرزند پذیرفته می‌شوند و یا اینکه به‌صورت‌های مختلف یا (رحم اجاره‌ای و یا اسپرم خریداری شده) فرزند این خانواده می‌شوند و از آسیب‌های روحی بالایی برخوردار هستند. یکی از آنها خلاء وجود پدر یا مادر است با احساسات و رفتار طبیعی یک زن یا مرد. مطلب بعدی، در مورد این بچه‌ها، این است که بعضاً مورد تجاوز جنسی والدین خود قرار می‌گیرند (این‌گونه افراد چون به بی‌بندوباری در روابط جنسی معتقدند بنابراین، از حساسیت کمتری نسبت به فرزندان خود نیز برخوردارند).

۱۵-۴. در بحث‌های روان‌شناسی این‌گونه افراد، که در اینجا مجال بحث آن نمی‌باشد، از عدم تعادل روحی برخوردارند.

۱۵-۵. لازم به‌ذکر است، این گروه‌ها افرادی هستند که از کسانی که مشکل هرمونی



دارند جدا هستند و انگیزه‌های تحریکی دیگری در وجودشان نقش بازی می‌کند.
 ۱۵-۶. حمایت‌های غلط کلیساها از این‌گونه زندگی و اجرای رسمی مراسم ازدواج آنان در چنین مکان‌هایی موجب حرمت‌شکنی این عمل قبیح و دامن‌زدن، به آن می‌شود و گرایش بارز کشیش‌های مسیحی به این عمل مخصوصاً در مدارس مذهبی پسرانه.
 ۱۵-۷. حمایت‌های دولت‌ها و تصویب محمل‌های قانونی برای این‌گونه تفکر و روش انحرافی، تشکیل زندگی توسط مراجع قانونی می‌باشد.
 ۱۵-۸. شکل‌گیری برخی صنایع، برای تولید ابزارها و آلات جدید برای تکمیل این‌گونه ارتباطات و ایجاد بازار فروش این نوع آلات.

۱۶. آمار نسبتاً زیاد زنان فاسد با توجه به حمایت مالی دولت، از زنان

۱۶-۱. با وجود اینکه، سیستم کمک‌های مالی دولتی برای زنان مجرد و بدون سرپرست و یا با درآمد پائین است با این‌حال، هنوز عده‌ای تمایل به انجام چنین کارهایی دارند. به این دلیل که میزان این کمک‌ها در حد بالا نیست به همین جهت، برای بیشتر داشتن به دنبال این کار می‌روند.
 ۱۶-۲. عدم ارضای محبت کودکان در سنین پائین، خصوصاً دختران.
 ۱۶-۳. میزان تحریکات بالای اجتماعی در زمینه مسائل جنسی.
 ۱۶-۴. ابزار بودن و ایفای نقش جذاب‌بودن برای مردان توسط جنس زن در فرهنگ غرب.
 ۱۶-۵. وجود ارگان‌ها و تشکلات متعدد برای تولید فساد به صورت رسمی.
 ۱۶-۶. استفاده ابزاری از زن در مسائل اقتصادی، با سود بسیار بالا، تبدیل شدن زن به ابزار سوددهی در تمام زمینه‌ها حتی فرهنگی.
 ۱۶-۷. نبودن ترمز مذهبی در این جوامع.
 ۱۶-۸. درآمد بسیار بالای زنانی که مدل مجلات و سایت‌های موردنظر و سینما و... هستند، گاهی زنان تحصیل‌کرده برای درآمدزایی بیشتر به این کار رومی‌آورند.
 ۱۶-۹. پذیرش فرهنگی در جامعه که بُعد جسمانی زنان از اولویت ویژه‌ای برخوردار است.
 ۱۶-۱۰. پذیرش فرهنگی گروه زیادی از زنان که مورد توجه جنسی قرارگرفتن خلاءهای روحی و روانی آنها را تا حد زیادی جبران می‌کند.
 ۱۶-۱۱. تفاوت گروه سنی که مشغول به این کار هستند بسیار بالا می‌باشد و با عادی شدن این مسئله است که گاهی زنانی با سن بسیار پایین مثلاً ۱۳ یا ۱۲ ساله و یا بسیار بالا یعنی ۷۰ ساله را می‌توان در این گروه دید.



۱۷. عناصر مؤثر بر خانواده از نگاه اسلام

- اقتصاد
- اخلاق
- قوانین اجتماعی
- تعلیم و تربیت
- روابط و حقوق والدین و فرزندان و همسر

۱۸. برتری اسلام در رابطه با نگاه اقتصادی در خانواده

یکی از دستاویزهای مغرضان و جاهلان نسبت به دین و اسلام ابراز شبهات در خصوص مسائل اقتصادی اسلام می‌باشد. در این رابطه، معمولاً چنین تلقین می‌شود که در اسلام، نسبت به زنان در مسائل اقتصادی ظلم شده است و همیشه دست پایین برای زنان گرفته می‌شود و امتیاز و برتری با مردان می‌باشد. برای اختصار، پاسخ به این شبهه را در قالب یک جدول مقایسه‌ای، بین درآمدها و مخارج مردان و زنان در یک نظام اسلامی، به تصویر کشیده ایم.

جدول (۱) مقایسه درآمد و مخارج زنان و مردان در اسلام

زن		مرد		
مخارج	درآمد	مخارج	درآمد	
	مهریه (بدون خمس)	مخارج شخصی	کار	۱
	نفقه (بدون خمس)	مخارج زندگی (نفقه)	ارث X ۲	۲
	ارث (بدون خمس)	مخارج فرزندان		۳
	درآمد اجرت المرضعه	بقره (232-242) مهریه		۴
	درآمد از اجرت المثل	مخارج والدین، دین، ...		۵
خمس	درآمد از شغل	خمس		۶
		زکات و تامین هزینه جهاد		۷
		بقره (۲۳۳) اجرت المرضعه		۸
		اجرت المثل		۹



۱۲۵۲ ◀ کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده

اخلاق: سفارشات بسیار زیاد که در روایات نسبت به رفتار صحیح با اعضاء خانواده به طرفین شده است.

قوانین: قوانین اسلامی در رابطه با حقوق اعضای خانواده می‌تواند پشتوانه محکمی برای خانواده اسلامی باشد.

تعلیم و تربیت: خانواده اسلامی، محل امن، برای پرورش انسان است و مثال الگویی قرآن، زن را هم مایه سعادت (مریم و آسیه) و هم مایه شقاوت (زن لوط و زن نوح) می‌داند.

روابط و حقوق والدین و فرزندان و همسر: در الگوی اسلامی، همه افراد خانواده، نسبت به هم حق و تکلیف دارند و مفصل آن، در صحیفه سجّادیه به‌عنوان یکی از منابع غنی قابل دسترس است.

۱۹. نتیجه

از مقایسه کیفی و ساختاری دو مکتب اسلام و غرب در تبیین دیدگاه‌هایشان برای تشکیل خانواده و هدف‌گذاری در شکل‌گیری خانواده و ابعاد و رسالت اقتصادی و اخلاقی خانواده در متن نشان داده شد مرتبه اختلاف از نوع اختلاف بین خالق و مخلوق است. این نتیجه‌گیری علاوه بر استدلال و تبیین مبانی با برخی شواهد آماری از وضعیت خانواده، زنان و کودکان آن جوامع در یک بستر زمانی ۴۰ ساله و با مستندات رسمی خودشان به تصویر کشانده شد و به‌روشنی می‌توان نتیجه گرفت که در مسائل خانوادگی و انسانی به مکاتب بشری اطمینان کردن، کاری بس عبث است و تنها راه استفاده از الگوی دینی است. با توجه به اینکه قوانین اسلامی همه جانبه‌نگر است این الگو می‌تواند برای تمام جوامع بشری معرفی شود، چه دینی و چه غیردینی، تنها راه نجات بشریت و خانواده اسلام است.

پانوشته‌ها:

۱. منظور از ازدواج، همان زنان با ایمانی هستند که در دنیا بودند (تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۱۲۹).
2. a group of individuals living under one roof and usually under one head, Merriam Webster , <http://www.merriam-webster.com/dictionary/family>

۳. کتاب اثبات حقوق زنان، مری ولساتن کرافت.

۴. وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (۳۱) وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (۳۲) سورة اسراء.



۱۲۵۳ ► مقایسه خانواده در اسلام و غرب

۵. صفحه ۱۸۵ کتاب جنگ علیه والدین، سیلویا آن هیولت و کورنل وست، ترجمه معصومه محمدی، ۱۳۸۸، نهاد رهبری در دانشگاه.

6. David Popeenoe, new yourk, 1996, P4.

۷. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (سوره ۳۰؛ آیه ۲۱).

8. The number of cohabiting unmarried partners increased tenfold between 1960 and 2000. - U.S. Census Bureau. "America's Families and Living Arrangements: 2000."
9. The number of cohabiting unmarried partners increased by 88% between 1990 and 2007. - U.S. Census Bureau. "America's Families and Living Arrangements: 2007."
10. The majority of couples marrying today cohabited first. - Bumpass, Larry and Lu, Hsien-Hen. 2000. "Trends in Cohabitation and Implications for Children's Family Contexts in the United States." Population Studies, 54: 29-41.
11. 41% of American women aged 15-44 have cohabited at some point. - Centers for Disease Control and Prevention. 2002. "Cohabitation, Marriage, Divorce, and Remarriage in the United States." Vital Health and Statistics, 23; 22.
12. The average American spends the majority of his or her life unmarried. - Kreider, Rose and Jason Fields. 2002. "Number, Timing, and Duration of Marriages and Divorces: 1996." Current Population Reports.
13. 39.7% of all births are to unmarried women. - National Center for Health Statistics. 2007.
14. 41% of first births by unmarried women are born to cohabiting partners. - Bumpass, Larry and Lu, Hsien-Hen. 2000. "Trends in Cohabitation and Implications for Children's Family Contexts in the United States." Population Studies, 54: 29-41.
15. In 2006, nearly 13 million unmarried American parents lived with their children. Among them, more than 80% were unmarried mothers. - U.S. Census Bureau. "America's Families and Living Arrangements: 2007."
16. In 2006, the percentage of American households headed by unmarried parents was nearly double the percentage in 1970. - U.S. Census Bureau. "America's Families and Living Arrangements: 2007."
17. Nearly one-third of American grandparents who are responsible for their grandchildren are unmarried. - U.S. Census Bureau. "American Community Survey: 2005-2007."
18. As of 2000, the most common household type in the U.S. is a person living alone. - Hobbs, Frank. 2005. "Examining American Household Composition: 1990 and 2000." U.S. Census Bureau.
19. There are more than 31 million one-person households in the U.S., representing roughly 27% of all households. - U.S. Census Bureau. "America's Families and Living Arrangements: 2007."



20. The number of cohabiting unmarried partners increased by 88% between 1990 and 2007. - U.S. Census Bureau. "America's Families and Living Arrangements: 2007."
21. Robert Whelan, Broken Homes and Battered Children 1993
22. US Department of Justice National Crime Victimization Survey 1992-2001
23. National Center for Health Statistics (1995:Table III. 1) and U.S. Bureau of the Census (1996:Table 59).
24. Web magazine, 12 March 2001 10:00
25. Statistical Source: Current DHHS report on nationwide Child Abuse, Forensic Psychologist's Casebook
26. National-Center-for-Health-Statistics-(1995)
27. Robert Whelan, Broken Homes and Battered Children 1993

